

جنگی مخرب و خانمانسوز و موقعیت چپ

بهروز سورن

بسیاری معتقد هستند که جنگ غرب با ایران شروع شده است. ماهها پیش گاردین نوشت که جنگ میان ایران و اسرائیل و آمریکا مدتها قبل آغاز شده است. امروزه جنگ را بعنوان یک گفتمان بسیط تعریف می کنند و شکل نظامی آنرا یکی از اشکال جنگ می نامند. جنگ در اشکال سیاسی - دیپلماتیک - جنگ سایبری - تحریم جنگی - اقتصادی و... آرایش و مانورهای نظامی در برابر هم و برخوردهای مسلحانه و نظامی را نیز میتوان در ردیف جنگ ها بحساب آورد. بحرانهای سیاسی و بن بست های دیپلماتیک اگر چه میتوانند شرط لازم وقوع جنگ از سوی طرف های متخاصم باشند اما برای جنگی تمام عیار و نظامی و رو در رو شرط کافی نیستند. در واقع امر هر بحران سیاسی به جنگ نظامی منتهی نمیشود. در مورد تحریم سیاسی و اقتصادی نیز میتوان همین نتیجه را گرفت. این محورها می توانند بعنوان ابزار فشار و دیکته کردن تمایلات سیاسی استفاده شوند.

بحران کنونی میان ایران و اسرائیل و متحدانش بواقع و بنابر سیاستهای غلط و پرخاش و خشونت در ارتباطات با غرب، مواضع غیر صلح آمیز و تحریک آمیز در رابطه با کشورهای همسایه و همچنین دخالت مستقیم و غیر مستقیم در درگیری های داخل کشور سوریه و سیاستگذاری ها در لبنان و نوار مرزی و یارگیری ها از میان کشورهای منطقه... ابعادی بخود گرفته است که واکنش قطعی اسرائیل و آمریکا و کشورهای عربی منطقه را بدنبال خواهد داشت.

در حقیقت امر تدارک اولیه و پیش سازی های موقعیت جنگی از سوی هر دو طرف مدتهاست که آغاز شده است. آغاز ساختن پناهگاه ها در اطراف شهر تهران، تقویت دفاعی و حراست از زیربنای اقتصادی و صنعتی - تحریکات در نماز جمعه ها و سخنرانی ها برای مهیا نمودن روانشناسی عمومی در ارتباط با جنگ و ... ارتباطات مشکوک با موج ترورهائی که اخیرا صورت گرفته است، نشان از جدی گرفتن وقوع جنگ از سوی حاکمان میدهد. از طرف دیگر تقویت آرایش نظامی آمریکا و اسرائیل در حوزه خلیج فارس و دریای عمان، اضافه کردن کشتی های نظامی و تجهیزات آنها در این منطقه، تقویت روحیه مردم اسرائیل برای شرایط جنگی (روزمره) انجام می پذیرد. تقویت بنیه مالی بخش سازشکار و هوادار غرب و اسرائیل در خارج کشور (نشست اولاف پالمه - واشنگتن و استکهلم و....)

مجموعه این عوامل و فاکت ها پیامی صریح و روشن برای اپوزیسیون رادیکال و چپ در خارج از کشور خواهد داشت. بالابردن تحرک برای تدارک سازماندهی سراسری مقاومت در برابر سیاستهای جنگ طلبانه طرفین از طریق تشکیل نهادهای ضد جنگ و برای صلح و آزادی است.

نیروهای رادیکال و چپ متاسفانه در پهنه اپوزیسیون در تبعید از نظرگاههای متفاوت به شرایط کنونی می نگرند. برخی انتظار آغاز حمله نظامی را می کشند تا سلاح مرگبار غرب و اسرائیل، آزادی و دموکراسی را به داخل صادر کند و آنها نیز بر خر مراد! سوار شوند و جماران های خود را بسازند. برخی سکوت کرده و مواضع خود را اعلام نمی کنند و منتظر فرصت ها!! می مانند. آنکه می ماند طیف ملیون و چپ رادیکال است. هم از اینرو نشست چپ در کلن و امید زائی آنها از اهمیت و افری برخوردار است همانطور که حرکت آرام و لاک پشتی آن متناسب با شتاب حوادث سیاسی بین المللی نیست.

همانطور که پیش از این نوشتیم، تلاش برای اتحاد در عمل میان نیروهای چپ اپوزیسیون از آرزوهایی بوده است که متأسفانه و تاکنون بطور موضعی و ناموفق صورت گرفته است. اینکه چپ منفرد و غیر وابسته با سازمانها و تشکل های موجود بیش از سه دهه فریاد یا اتحادا سرداده اند و محق هم بوده اند بماند.

گفته میشود که پیش از دریافت اشتراکات نظری استراتژیک برای رسیدن به سوسیالیسم گفتگو از تجمع سازمانها و تشکل های چپ بی فایده است. گفته میشود که پیش از تعریف جامع از جنبش های درون کشور از نگاه چپ نمیتوان اقدامات مشترک را سازمان داد. گفته میشود و بدرستی که آنچه نیروهای متنوع چپ را دور میز گفتگو کشانده است نه از سر خردگرایی و تعمق که بر اساس فشار ضرورتها بوده است. اما و به اعتقاد من امروزه هر دلیلی این واقعه را موجب شده است میتوان بفال نیک گرفت و در حد توان از درون یا بیرون به حمایت از آن برخاست.

الف:

همنشینی این مجموعه با نیت انجام اقدامات مشترک و حضور وزین در تحولات سیاسی و دفاع از کارگران ایران، گامی بزرگ در تکامل چپ تشکیلاتی در خارج از کشور بحساب می آید. چنانچه این گام با موفقیت همراه باشد بی شک تاثیرات مستقیم و موثری در اندیشه چپ داخل نیز خواهد داشت.

ب:

تجربه فعالیتهای دمکراتیک محلی و یا حتی همبستگی سراسری آنها در سالهای اخیر نشان داده است که زمینه ها و بستر ایجاد فضای کار مشترک موجود هستند. اجتماع در تشکل های دمکراتیک و بخشا محلی و تجارب موفق آن نشان میدهد که تمرین بزرگ و ابتدائی نیروهای چپ انجام شده است و طی سالها خم و چم کار مشترک و همگام بدست آمده است.

پ:

زمان کافی برای شکست خوردن در کوشش های اولیه در اختیار سازمان ها و گروه های چپ و تحصیل تجربه موجود بوده است و حال میبایستی از تجارب بدست آمده بیشترین بهره را برد

ت:

گذشته سی و چند ساله چپ نشان داده است که این نیروها به تنهایی نتوانسته اند تا در روند مبارزات جاری سیاسی و اجتماعی تاثیر بسزائی بگذارند و به تعبیری کنش گر باشند.

ث:

حقیقت این است که رفورمیست ها و سازشکاران با جیبهای انباشته از سوی کلان سرمایه داری در راهند تا با آلترناتیوهای سفارش شده از سوی اربابانشان آینده ای تاریک را برای کشورمان رقم بزنند. و اگر چنین بشود دوباره شعار (انقلاب مرد، زنده باد انقلاب) را با هم سرخواهیم داد. این فاجعه ای است که قبل از وقوع می شناسیم و میتوان در برابر آن صف آرائی کرد و تنها توان مشترک چپ از بروز چنین فاجعه ای میتواند جلو گیرد. به تعبیری دیگر پاسخی است به یکی از مهمترین ضرورت های موجود.

ج:

چپ به مقولاتی بسیار مهم در طول فعالیتش مشغول بوده است. از میان آنها میتوان به تحلیل از توازن قوا، تمرکز بر چگونگی و جایگاه و نقش طیف رقیب سیاسی (سازشکاران و رفورمیست ها) تحرک راست و آلترناتیو سازها را میبایستی خنثی کرد. باید روشنی افکند و منادیان تاریکی و سیاهی را افشا نمود

چ:

تداوم این نشست ها و موفقیت آن میتواند بعنوان ابزاری برای بمیان کشیدن فعالین چپ منفرد و بی سازمان باشد. شرط آنکه این مجموعه عناصر دمکراتیک دخالت در مباحثات و انتخابات را در اختیار آنان قرار دهد.

ح:

زمانیکه چپ بعنوان یک نیروی تنومند و رزمنده در صحنه سیاسی وارد نشده باشد نمیتوان از فاز عکس العمل و واکنشی و محکوم کردن رژیم به فضای کنش و عمل وارد شد. در این زمینه کار تبلیغی و ترویجی سخت و انبوه فعالین این تجمع میتواند راهگشا باشد.

د:

معرفی شفاف چهره و سیمای جدیدی از چپ و سوسیالیسم به افکار عمومی و برای اشاعه و نشر خط سرخ اتصال جریانات چپ در خارج از کشور – این امر با ایجاد رسانه های نوشتاری و دیدنی و شنیدنی سراسری میتواند موفق باشد.

ذ:

طبیعی است که برخی از سازمانهای چپ به هر دلیلی مته به خشخاش خواهند گذاشت و این کار بزرگ را بیهوده خواهند خواند. اما ظرف سنجش این حرکت در آینده برآمد مثبت انرا نشان خواهد داد. بخشی از این نیروها سخت سری میکنند و در این بل بشو امتیازات ویژه میخواهند. بنظر اینجانب نبود آنها در این مجموعه موجبات تسهیل دستبایی به اهداف آنرا مهیا خواهد کرد. این صفبندی نیروهای بالنده ایست که در برابر ارتجاعیون راست و حکومتی خود را قرار میدهد و تلاش دارد تا حقانیت خود را به اثبات برساند.

بهروز سورن

17.8.2012

Sooren001@yahoo.de